

## کاوش باستان‌شناختی گورستان تاج‌امیر یاسوج

ابراهیم قزلباش

عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

محمدجواد جعفری\*

دانشجوی دکتری رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران

نوروز رجبی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

کوروش محمدخانی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران

(از ص ۱۷۱ تا ۱۹۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۰۶/۰۲

### چکیده

گورستان تاج‌امیر بر دامنه جنوبی رشته کوه دنا و در شرق یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد جای دارد. این گورستان به دنبال پی‌ریزی ساختمان کتابخانه دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در ۱۳۸۸ شناسایی شد. ساخت‌وسازهای گسترده دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در دهه ۸۰ خورشیدی سبب تخریب بخش‌هایی از این گورستان شد. پراکندگی گورهای تخریب شده در گستره‌ای بیش از هفت هکتار است و آنچه امروزه از گورستان باقی مانده کمتر از سه هکتار است. کاوش و مستندنگاری شانزده گور در بخش شمالی گورستان و بررسی ژئوفیزیک به وسعت دو هکتار از نتایج فصل نخست بود. پوشش قلوه‌سنگی و خرپشته‌ای فضای چاله تدفین، دیواره سنگ‌چین چاله تدفین، ورودی چاله تدفین، تاج یا نشانه گور و فضای جلوی ورودی چاله تدفین، واحدهای ساختاری گوناگون هر گور بودند که در روند گزارش آنها به صورت جداگانه توصیف و مستندنگاری شدند. هدایای تدفینی در بردارنده ظروف سفالی، فلزی و سنگی، ابزارهای سنگی، زیورآلات و جنگ‌افزارهای مفرغی و سنگی بودند. به نظر می‌رسد بر اساس شواهد باستان‌شناختی می‌توان گورستان تاج‌امیر را یکی از گورستان‌های اقوام یا گروه‌های کوچ‌رو عیلامی نیمه نخست هزاره دوم پ.م دانست.

واژه‌های کلیدی: گورستان تاج‌امیر، باستان‌شناسی عیلام، گورهای سنگی، کاوش نجات‌بخشی، بررسی ژئوفیزیک

\* رایانامه نویسنده مسئول: j.jafari@ut.ac.ir

## ۱. مقدمه

در پاییز ۱۳۸۸ خورشیدی هنگامی که دانشگاه علوم پزشکی یاسوج برای برپا کردن ساختمان کتابخانه، از دامنه یک بلندی به مساحت پنج‌هزار مترمربع گودبرداری کرد، بقایای فرهنگی و باستان‌شناختی زیادی به دست آمد و بخش‌های زیادی از یک گورستان تاریخی ویران شد. در پی آن، یکی از رانندگان که در برداشتن خاک و گودبرداری همکاری داشت، تعدادی ظرف سفالی و مفرغی را به اداره کل میراث فرهنگی استان کهگیلویه و بویر احمد تحویل داد. این تخریب درست بخش میانی گورستان را در برداشت؛ توضیح آنکه پیش‌تر و طی دهه ۸۰ نیز بخش‌های غربی و جنوبی گورستان برای ساخت سالن ورزشی، مسجد، سرویس‌های بهداشتی، خیابان‌کشی و فضای سبز و... از بین رفته بود. به‌هرروی، این گورستان در زمستان ۱۳۹۰ با نام «گورستان دهنو» برگرفته از نام روستایی در ۷ کیلومتری شمال‌شرقی آن در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید (نقشه ۱).

پس از سه سال فراز و نشیب‌های اداری، اداره‌کل میراث فرهنگی استان کهگیلویه و بویر احمد با حمایت و همکاری معاونت میراث و پژوهشگاه میراث فرهنگی شرایط مطالعات و فعالیت‌های میدانی را فراهم آورد تا اینکه در خرداد ۱۳۹۱ گروه کاوش باستان‌شناسی گورستان تاج‌امیر یاسوج در محل مستقر شد و کاوش را در بخش میانی گورستان، در پشت گود بزرگی آغاز کرد که در سال ۱۳۸۸ دانشگاه ایجاد کرده و به بخش‌های زیادی از گورستان آسیب زده بود. در برش این چاله بقایای ساختار سنگ‌چین تعداد زیادی گور نمایان بود. هم‌زمان با فعالیت گروه کاوش، در بخش جنوب شرقی گورستان و در شرق بنای مسجد، دانشگاه علوم پزشکی با وجود مخالفت شدید گروه و البته با موافقت و هماهنگی مدیرکل و معاونت وقت میراث فرهنگی استان، از بخش دیگری به مساحت ۱۸۰۰ مترمربع گودبرداری کرد که در پی آن دست‌کم تعداد هفت گور دیگر ویران شد. شگفت آنکه، درست پس از پایان کار گروه کاوش، بدون هرگونه مجوز کاوشی از سوی پژوهشکده باستان‌شناسی، تعدادی از کارشناسان اداره‌کل استان، کاوش بر روی تعدادی از گورهای کنار این چاله را ادامه دادند!

درهٔ بشار یکی از مهم‌ترین و بزرگترین دره‌های زاگرس جنوب غربی است که در دامنهٔ جنوبی رشته بلندی‌های دنا قرار دارد و رود بشار در راستای جنوب شرقی - شمال غربی در آن جریان دارد؛ رودی که دورترین و درازترین شاخه کارون شمرده می‌شود. گمان می‌رود به‌سان دو سه سدهٔ گذشته، این دره و دره‌های پیرامونی آن، یکی از مهم‌ترین مراکزی باشد که گروه‌ها و قبایل کوچ‌رو منطقه را در خود جای داده‌اند؛ گروه‌هایی که فصل سرد را در دشت‌های پایین‌دست کنار رودخانه‌های فهلیان، زهره، خیرآباد و مارون می‌گذراندند. این درهٔ بزرگ را رشته‌بلندی‌ها و دره‌های تنگ و ژرف کوچک و بزرگی در شمال و جنوب دربرگرفته‌اند که پوشیده از جنگل‌های بلوط و بنه‌اند. چشمه‌سارها و رودهای زیادی در این دره‌ها جریان دارد که در مجموع حوضهٔ آبریز بشار را شکل می‌دهند. گورستان تاج‌امیر بر کنارهٔ ۲۰۰ متری این رود و در شرقی‌ترین نقطهٔ دره در دامنهٔ جنوبی یک بلندی با شیبی کمتر از ۳۰ درجه جای دارد (نقشه ۲). سطح گورستان پوشیده از جنگل بلوط است؛ اگرچه به‌سان گورستان بخش‌های زیادی از این جنگل نیز پاک‌سازی شد. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، بخش غربی محوطه برای ساخت سالن ورزشی و تأسیسات پیرامونی، بخش جنوبی گورستان برای ساخت مسجد، کتابخانه و سرویس‌های بهداشتی و بخش شرقی محوطه برای ایجاد راه ارتباطی به‌کلی از بین رفت. بخش شمالی محوطه نیز از رهگذر ایجاد یک حلقه چاه و کندن کانال انتقال آب

آسیب دید و هیچ بخش دیگری از گورستان دست‌نخورده باقی نمانده بود (شکل ۱). با این توصیف، تنها کمتر از سه هکتار از بخش‌های میانی و شمالی گورستان که بر یک بستر و بافت سنگی و صخره‌ای قرار دارد، همچنان بر جای مانده است و البته همین بخش نیز همچنان در خطر نابودی قرار دارد. با وجود این، امید است با ادامه مطالعات باستان‌شناسی گورستان تاج‌امیر، آگاهی و دانش ما از باستان‌شناسی منطقه افزایش یابد و به برخی از پرسش‌ها و ابهامات مهم دوره تاریخی‌ای که این گورستان به آن تعلق دارد، پاسخ گوید. با درک ارزش علمی و تاریخی گورستان و تهدیدهای ناشی از توسعه دانشگاه، گروه کاوش در کنار فعالیت کاوشی خود، بررسی ژئومغناطیس آن را نیز برای شناخت گستره گورستان و پراکنش گورها انجام داد. این نوشتار فشرده‌ای از نتایج به‌دست‌آمده از روند کاوش و بررسی ژئومغناطیس منطقه یاد شده است.

## ۲. روش کاوش

برای مطالعه باستان‌شناسی موضوع پژوهش، در آغاز نقشه منحنی میزان (توپوگرافی) منطقه و بخش‌هایی که گمان می‌رفت گستره گورستان را دربر می‌گیرد، تهیه و به شبکه‌های ۱۰×۱۰ متر بخش‌بندی شد. آنچه بیش از همه اهمیت داشت، نجات گورهایی بود که در میانه گورستان و در لبه برش شرقی گود ۸۸ دیده می‌شدند (نقشه ۳): از این‌رو، در این بخش از گورستان ۳ مربع ۱۰×۱۰ متر باز شد که برای آسانی در روند کاوش به ۱۰ مربع ۵×۵ تقسیم شدند (15p-c, 16p-a, 16p-b, 16o-d, 16p-c, 16p-d, 17o-b, 17p-a, 17p-b). در مجموع، درازای شمالی- جنوبی کارگاه کاوش ۲۰ متر و پهناى شرقی- غربی آن ۱۵ متر بود که مساحتی بیش از ۳۰۰ مترمربع را دربر می‌گرفت (نقشه ۴). پس از مشخص کردن گستره کارگاه کاوش، با برداشت لایه‌های مختلف رسوبی که شباهت بسیار زیادی به هم داشتند، گورها در ژرفاهای ناهمسان و ناهم‌تراز آشکار شدند. با توجه به وضعیت گورها در هنگام نمایان شدن، روش‌های گوناگونی که بتواند اطلاعات بهتر و بیشتری از آنها به‌دست‌دهد، در پیش گرفته شد. در تمامی گورها چاله تدفین بر اثر فرو ریختن پوشش و نفوذ یا نشست خاک‌های اطراف یا دیواره گور با خاک پر شده بود؛ بنابراین، تمامی پدیده‌های تدفین خلاف مراحل ساخت گور و مرده‌گذاری، مستندنگاری شد. در این روش همه ساختارهای روی چاله گور پس از ثبت ریزه‌کاری‌های آن، به‌درستی و با دقت تمام برداشت و مستندنگاری می‌شد و کاوش در درون چاله گور که بر اثر ریزش پوشش و انباشتگی اشیا و مواد، بسیار آشفته و درهم شده بود، ادامه می‌یافت. بیشترین اشیای به دست‌آمده از این گورها خرد شده و شکسته بودند. رطوبت و بافت اسیدی خاک که در اثر پوشش جنگلی پدید آمده بود سبب شد تا داده‌های استخوانی (به‌ویژه انسانی) در این گورها وضعیت مناسبی نداشته باشد. روش ثبت و مستندنگاری ساختار گورها و مواد فرهنگی آن براساس تقسیم پدیده‌ها و ساختار معماری گورها به واحدهای مختلف (context) بود. در کاوش و مستندنگاری تمامی گورها کوشش شد تا با شناخت چندی و چگونگی ساختارهای تدفین و عوامل طبیعی و غیر طبیعی اطراف گور، تمامی مواد و یافته‌ها ثبت، ضبط و مستندنگاری شوند. در روند کاوش هر گور از آغاز تا پایان، تلاش بر آن بود تا ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده معماری گور تا آنجا که امکان دارد، درجا نگه داشته شود تا هم به مستندنگاری بهتر ساختار هر گور کمک کند و هم در نگاه بازدیدکنندگان، ساختار گور نمایان باشد؛ بنابراین، در ساختار همه گورهای کاوش‌شده،

چاله و بخش‌هایی از پوشش و در ورودی در محل خود باقی گذاشته شدند. شیوه شماره‌دهی گورها از عدد یک آغاز شد.

### ۳. گمانه‌های کاوش

همه گورهای نمایان در برش و بدنه دیواره‌های سه‌گانه غربی، شمالی و شرقی چاله‌ای که در سال ۸۸ ایجاد شده بود، پیشتر تخریب و غارت شدند و گورها تنها بر اساس تعداد اندک قلوه یا تخته‌سنگ‌های باقی‌مانده آنها قابل شناسایی بودند (شکل ۲). با توجه به اینکه در تمامی درازای ۱۰۰ متری این دیواره، بقایای گورهای تخریب‌شده قابل دیدن بود و امکان کاوش تمامی این گستره در یک فصل وجود نداشت، بخش جنوب شرقی گود برای شروع مطالعات انتخاب شد. در این منطقه زمین بیش از ۲۳ درصد به سمت جنوب غربی شیب داشت و درختان بلوط که ریشه آنها یکی از عوامل اصلی طبیعی تخریب گورها بود، کمتر بودند. در ۲۰ متری شرق این جایگاه یک چاه عمیق قرار داشت که کانال انتقال آب آن از شمال گورستان تعدادی از گورها را تخریب کرده بود؛ به‌علاوه، وجود آهن‌آلات این چاه مانع بررسی ژئوفیزیک این بخش از گورستان شد. بخش شمالی و شرقی این موقعیت نیز طبیعی و دست‌نخورده بود و بخش جنوبی آن برش و بدنه گودی بود که در هنگام کاوش تمامی خاک و رسوبات روی گورها به داخل آن انباشت می‌شد. در شبکه‌بندی ایجاد شده، شبکه 16P به‌طور کامل و بخش‌هایی از شبکه‌های 17O، 17P، 16O، 15P کاوش شد (نقشه ۴): بنابراین، هر شبکه ۱۰×۱۰ متر به چهار ترانسه ۵×۵ متر تقسیم و هر گمانه با سرپرستی یک کارشناس کاوش شد. در نهایت ۱۶ گور شناسایی و مستندنگاری شد که از این میان، گور شماره ۱ و ۲ در گمانه 16PB، گور شماره ۳ و ۹ در گمانه 15PC و 15PD، گور شماره ۴ و ۵ در گمانه 17PA، گور شماره ۷، ۸ و ۱۱ در گمانه 17OB، گور شماره ۱۰ در گمانه 16PC، گور شماره ۱۲ در گمانه 16PA و 16OB، گور شماره ۱۳ و ۱۴ در گمانه 16OD و گور شماره ۱۵ و ۱۶ در گمانه 16PD قرار داشتند (نقشه ۵).

### ۴. ساختار گورها

از میان ۱۶ گور کاوش‌شده، ۱۵ گور دارای ساختاری سنگی و همسان بودند و تنها یک گور خمیره‌ای به دست آمد. در همه گورهایی که ساختار سنگی داشتند، عناصر معماری و واحدهای ساختاری گور تقریباً با هم شبیه بودند و تفاوت‌ها در کم و زیاد شدن یک یا دو واحد ساختاری بود. پوشش قلوه‌سنگی، پوشش خرپشته‌ای، فضای چاله تدفین، دیواره سنگ‌چین چاله تدفین، ورودی چاله تدفین، تاج یا نشانه گور، فضای جلوی ورودی تدفین و چاله تدفین، واحدهای ساختاری متفاوت یک گور بودند که در روند گزارش هر گور به صورت جداگانه توصیف و مستندنگاری می‌شد. پوشش قلوه‌سنگی، رویی‌ترین و نخستین واحدی بود که بعد از برداشت ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر خاک و رسوبات نمایان می‌شد (طرح ۱). این پوشش در گورهای شماره ۴، ۷، ۱۰ و ۱۴ به‌خوبی نمایان بود و مستندنگاری شد، اما در سایر گورها دچار بهم‌ریختگی بود و امکان بازشناسی آن از سایر بخش‌های ساختاری گور وجود نداشت. پوشش خرپشته‌ای در همه گورها وجود داشت؛ تخته‌سنگ‌های بیضی و گاهی مستطیل‌شکل که به صورت هشتی بر روی چاله گور قرار می‌گرفتند (طرح ۲). این واحد ساختاری نیز در گورهای ۴، ۷، ۱۰ و ۱۴ سالم و درجا بودند، اما در سایر گورها یا به شکل کامل و یا بخشی از

آن ویران شده بود. در گورهای شماره ۲، ۹ و ۱۲ که از جمله گورهای بزرگ شناسایی شده بودند، ابعاد این تخته‌سنگ‌ها به  $۱۰۰ \times ۵۰$  سانتی‌متر نیز می‌رسید. در گور شماره ۹ تنها یک تخته‌سنگ خرپشته‌ای در محل خود قرار نداشت و باقی آنها درجا بودند. در گور شماره ۱۲ تنها تخته‌سنگ بخش میانی از محل خود خارج شده بود و با وجود ساختار خرپشته‌ای پوشش گور، فضای داخلی آن در همه گورها با رسوبات شن و خاک پر شده بود. در آن دسته از گورهایی که ساختار سالمی نیز داشتند، مواد و اشیاء تدفینی در میان تراکم و فشردگی خاک و شن قرار داشت. فضای چاله تدفین در کوچک‌ترین گور  $۷۰ \times ۱۰۰$  سانتی‌متر (گور ۱۱) و در بزرگ‌ترین گور  $۱۰۵ \times ۲۱۰$  سانتی‌متر (گور ۱۲) بود (طرح ۳). دیواره چاله گورها با قلوه‌سنگ‌های بزرگ و کوچک سنگ‌چین شده بود. در گور شماره ۲ از خرسنگ‌هایی تا اندازه  $۶۰ \times ۹۰$  سانتی‌متر و در گور ۱۱ از قلوه‌سنگ‌هایی با اندازه میانگین  $۲۰ \times ۳۰$  سانتی‌متر استفاده شده بود. در گورهای شماره ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴ و ۱۵ تنها سه ضلع چاله گور و در دیگر گورها هر چهار ضلع سنگ‌چین شده بود. ژرفای چاله تدفین با توجه به اندازه گورها گوناگون بود. در گور شماره ۱ کمتر از ۳۰ سانتی‌متر و در گور شماره ۹ نزدیک به یک متر با ۵ ردیف قلوه سنگ‌چین شده بود. ورودی چاله گور آن بخش از ساختار گور بود که با تخته‌سنگ‌هایی به شکل ایستاده و موقتی پوشیده می‌شد و در هنگام مرده‌گذاری، دوباره محل دسترسی به فضای چاله تدفین بود. این ساختار در گورهای شماره ۲، ۴، ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ به خوبی نمایان بود و در دیگر گورها وضعیت آن به خوبی مشخص نبود. در گورهای شماره ۱۳ و ۱۴ ساختار ورودی تنها یک تخته‌سنگ ایستاده بود و در دیگر گورها از دو یا سه تخته‌سنگ و یا تعدادی قلوه‌سنگ برای بستن فضای ورودی استفاده شده بود. در گورهای شماره ۲، ۹ و ۱۲ در جلوی ساختار ورودی گور و در خارج از فضای چاله تدفین، استخوان فک و سایر اعضای جانوری (احتمالاً اسپ؟) یافت شد که این فضا به عنوان واحدی از ساختار گور مستندنگاری شد. در گور شماره ۹ علاوه بر استخوان جانوری نامشخص، تعداد اندکی خرده‌سفال نیز در فضای جلوی چاله گور شناسایی شد. در همین گور که شاخص‌ترین گور بود، فضایی برای قراردادن استخوان جانوری در جلوی چاله گور با قلوه‌سنگ ساخته شده بود و استخوان جانور نیز در آن زیاد وجود داشت. آخرین واحد ساختاری گور که به شکل جداگانه مطالعه و مستندنگاری می‌شد، چاله تدفین بود که در واقع هنگام ساختن گور، نخستین واحد ساختاری آن شمرده می‌شد. دست‌کم سه ضلع از دیواره چاله در تمامی گورها سنگ‌چین بود و فقط از وضعیت چاله در گور خرمره شماره ۱۶ به دلیل شدت تخریب‌ها اطلاعاتی به دست نیامد. جهت چاله تدفین از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کرد. گورهای شماره ۲، ۹، ۱۲ و ۱۵ در جهت شرقی- غربی بودند. گورهای شماره ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ جهت شمالی- جنوبی و گور شماره ۵ جهت شمال- شرقی، جنوب- غربی داشت.

##### ۵. جگونگی مرده‌گذاری

شدت تخریب و متلاشی شدن بقایای استخوانی (انسانی) در گورستان تاج‌امیر بسیار زیاد بود؛ آن‌گونه که از مجموع ۱۶ گور کاوش‌شده در فصل نخست، تنها از سه گور شماره ۴، ۷ و ۱۴ بقایای استخوان انسانی به صورت درجا و با شکلی مشخص شناسایی شد (طرح ۳). یکی از مهم‌ترین عوامل، اسیدی بودن بافت خاک در اثر پوشش جنگلی است که به سرعت تجزیه و از هم‌پاشیدگی بقایای استخوانی افزوده است. در گور شماره ۴ و ۷، انباشتگی خاک و رسوبات شنی باعث خردشدن استخوان‌ها شده بود و تنها شکل چمباتمه‌ای قرارگیری

جسد در آن قابل تشخیص بود. در گور شماره ۱۴ نیز این وضعیت دیده شد و وضعیت نسبتاً خوب استخوان‌های مجسمه و ساق پاها امکان برداشت نمونه‌های استخوان انسانی را در آن گور فراهم کرد. در گورهای شماره ۲، ۹ و ۱۲ مقداری استخوان جانوری در داخل چاله تدفین شناسایی شد که بیشترین حجم آن در گور شماره ۲ بود، اما در گورهای شماره ۱، ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ هیچ‌گونه اثری از بقایای استخوان انسانی و جانوری شناسایی نشد. در گور شماره ۴ جسد به صورت چمباتمه در وسط چاله گور و مجسمه در سمت جنوب و به جهت غرب قرار داشت و هدایای تدفینی در نزدیکی پاها در بخش شمالی چاله تدفین قرار داشتند. در گور شماره ۷ جسد در گوشه شمالی چاله تدفین، مجسمه در بخش شمال شرق چاله و رو به جنوب قرار داشت و بیشتر هدایای تدفینی در بخش شرقی چاله در فاصله میان سر و زانوهای جسد و دیگر اشیاء در پشت لگن و کنار پاها قرار داشتند. در گور شماره ۱۴ جسد در پایان بخش شمالی چاله تدفین، مجسمه در بخش شمال غربی چاله و در راستای جنوب قرار گرفته بود و تمامی هدایای تدفینی در جلوی صورت و دست‌های جسد در ضلع غربی چاله گور قرار داشتند. در هیچ‌کدام از گورها شواهد مربوط به تدفین مجدد دیده نشد، اما باتوجه به ابعاد بزرگ گورهای شماره ۲، ۹ و ۱۲ گمان می‌رود این گورها بیش از یک تدفین را در خود جای داده بودند.

#### ۶. اشیاء و هدایای تدفینی

تعداد اشیاء و مواد فرهنگی که در این فصل کاوش به‌دست‌آمد و مستندنگاری شد، به نسبت شناختی که از این نوع تدفین‌ها وجود دارد، بسیار اندک بود. همان‌گونه که اشاره شد تنها پنج گور از مجموع شانزده گور، ساختار سالم و درجا داشتند و گمان می‌رود دیگر گورها به‌عمد تخریب و در گذشته‌ای دور غارت شده‌اند. ریزش پوشش گور و نفوذ رسوبات شن و خاک به درون چاله تدفین نیز از عوامل طبیعی بودند که موجب خرد شدن ظروف و از بین رفتن و تجزیه بقایای استخوانی شده بود. روی هم‌رفته، تعداد ۱۵۶ شی از کاوش گورها شناسایی شد که از این میان تعداد ظروف کامل ۳ عدد، ظروف ناقص ۱۷ عدد، لبه ظرف (قطعه) ۲۳ عدد و خرده‌سفال‌های به‌دست‌آمده از گورها نیز ۱۸۸۵ عدد بود که آمار این خرده‌سفال‌ها نشان‌دهنده شدت تخریب در این گورستان است (طرح ۴). پس از ظروف سفالی، مهره‌های سنگی با ۵۸ عدد، مهره‌های نقره‌ای با ۱۹ عدد و یک مهره مغرغی قرار داشتند که بیشتر آنها در گور شماره ۸ و گورخمره شماره ۱۶ به‌دست آمدند. از گور شماره ۴ تنها هدایای تدفینی که شناسایی شد، ۱۰ عدد سرپیکان سنگی بود که در ضلع شمال غربی چاله گور انباشت شده بود. ابزار و تراشه‌های سنگی، سرنیزه‌های مغرغی، حلقه و دست‌بندهای مغرغی و نقره‌ای و یک خنجر مغرغی، دیگر اشیایی بودند که به تعداد کم در سایر گورها شناسایی شدند (طرح ۵). یکی از شاخص‌ترین اشیای شناسایی‌شده، قمقمه سفالی منقوشی بود که از بخش شمال غربی چاله گور شماره ۲ پیدا شد (طرح ۴: شماره ۲۰۵۱۰). همچنین از تخریب‌های سال ۱۳۸۸ تعداد ۲۲ شی باقی مانده که یکی از رانندگان به اداره کل میراث تحویل داده بود و اینک در مخزن موزه یاسوج نگهداری می‌شود. در میان این اشیاء ۱۳ عدد ظرف مغرغی و یک عدد ظرف سنگ صابون با نقش کنده بر لبه و بدنه وجود داشت که در روند کاوش نمونه‌های آنها شناسایی نشد. سه عدد دست‌بند مغرغی، دو عدد خنجر مغرغی، یک عدد گوشواره مغرغی و دو عدد ظرف سفالی از دیگر اشیاء این مجموعه بودند (طرح ۶).



#### ۷. بررسی آرکئوژئوفیزیک به روش مغناطیس‌سنجی در گورستان تاج‌امیر

بررسی آرکئوژئوفیزیک در گورستان تاج‌امیر به روش مغناطیس‌سنجی و با استفاده از دستگاه گرادپومتر بخار سزیم - ربیدوم صورت پذیرفت. منطقه مورد مطالعه بیشتر شرق و شمال گورستان را دربرگرفته است، اما باتوجه به ساخت‌وسازهای بسیار زیاد در اطراف گورستان، فنس‌کشی، فنداسیون بتنی و انبوهی میله‌های آهنی در ساخت این فنداسیون‌ها، وجود خط انتقال فشارقوی برق، خط انتقال آب و نیز پاک‌سازی بخش‌هایی از محوطه، کار برداشت مغناطیسی و شناخت بقایای فرهنگی را در این محوطه بسیار دشوار و در مواردی ناممکن می‌کرد. همچنین وجود درختان و ناهمواری منطقه مشکلاتی را پدید می‌آورد. با این همه، با محوریت کارگاه کاوش و پیرامون آن، منطقه‌ای به گستره دو هکتار را پوشش دادیم که امکان برداشت از آن فراهم بود و از آلودگی‌های مغناطیسی نیز فاصله داشت. در این محوطه با انتخاب یک نقطه مرکزی محلی (BM)، شبکه‌بندی ۵۰×۵۰ متر با استفاده از دوربین توتال استیشن تریمبل انجام شد و تمامی برداشت‌ها در این شبکه‌های ۵۰×۵۰ متر صورت پذیرفت. مقدار بررسی انجام‌شده در هر مربع به موانع و محدودیت‌های ژئوفیزیکی موجود در شبکه‌بندی بستگی داشت. مربعات بررسی شده از T1 تا T8 نام‌گذاری شدند. پس از بررسی‌های میدانی و برداشت داده‌های مغناطیسی، نقشه‌های مغناطیسی تهیه‌شده از محوطه این گورستان، نشان‌دهنده پراکندگی گورها در بخش شرقی، جنوبی و غربی گورستان بود. در دو بخش گورستان ناهنجاری محیطی (Anomaly) بسیار قوی در نقشه مغناطیسی دیده شد که یکی به تأسیسات فلزی منبع آب در شمال شرقی گورستان مربوط می‌شد و دیگری به فونداسیون فلزی پی یک ساختمان جدید در جنوب شرقی گورستان تعلق داشت. باتوجه به نقشه مغناطیسی، تراکم گورها در قسمت جنوبی محوطه در دامنه کوه، یعنی قسمت جنوبی کارگاه کاوش و قسمت شرقی محل خاک‌برداری‌شده سال ۸۸ بیشتر است (مربعات T8, T3, T6). همچنین این پراکندگی گورها علاوه بر دامنه تا ستیغ کوه ادامه دارد (مربع T8). احتمالاً در محل خاک‌برداری میانی و شمالی نیز گورهایی وجود داشته است که با خاک‌برداری این مکان، گورها تخریب شده‌اند. در دیواره شرقی این مکان خاک‌برداری‌شده (خاک‌برداری سال ۸۸)، بقایای تعداد زیادی از گورها پیدا بود. چنین می‌نماید که این گورها تا ساختمان‌های جدید قسمت غربی محوطه گسترده بوده‌اند. این روش به ما این امکان را داده تا تعداد گورهایی که در این محوطه پراکنده است، شمارش کنیم. با توجه به برداشت‌ها و نقشه‌های مغناطیسی، نشانه‌های حدود پنجاه ساختار گور در این محوطه دیده می‌شود (نقشه ۶ و ۷).

#### ۸. نتیجه

باستان‌شناسی مرگ و مطالعه گورستان و بقایای تدفینی نقشی مهم در شناخت باورها و اعتقادات جوامع گذشته دارد. در دو سده اخیر که باستان‌شناسی جایگاهی ویژه در دانش بشری یافته است، شاید مطالعه گورستان‌ها متداول‌ترین روش در شناخت ساختار و ویژگی‌های اجتماعی جوامع گذشته بوده است (دارک، ۱۳۷۹: ۱۱۱). در فصل نخست کاوش گورستان تاج‌امیر یاسوج، ۱۰ گمانه ۵×۵ کاوش شد که مساحتی حدود ۲۵۰ متر مربع را دربر می‌گرفت. ژرفای دستیابی به ساختار گورها ۳۰ تا ۹۰ سانتی‌متر از بستر زمین بود که در سنجش و برابری با دیگر گورستان‌های منطقه، از جمله گورستان «محمودآباد»، گورستان «لما» (رضوانی و دیگران ۱۳۸۶، جعفری ۱۳۹۳) و گورستان «ده‌دومین» (ناصری و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲۴) می‌توان گفت که گورها در گورستان تاج‌امیر در سطح قرار دارند. جایگاه و قرارگیری گورستان در دامنه‌ای با شیب اندک و جنگلی سبب

شده است که رسوبات و فرسایش زیادی از خاک بر روی گورها قرار نگیرد. وضعیت اسکلت انسانی گورها به دلیل تخریب آنها در اثر عوامل انسانی و طبیعی مناسب نبود. در آن دسته از گورهایی که در گذشته دور غارت شده بودند، اثری از استخوان انسانی یافت نشد و در آن دسته از گورهایی که غارت نشده بودند، رسوبات و ریزش سقف گور باعث فرسایش و تجزیه استخوان‌ها شده بود. روی هم رفته، شکل تدفین و بقایای استخوان‌های انسانی تنها در گورهای شماره ۱۴، ۷ و ۴ به دست آمد و در گورهای شماره ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۵ به قطعاتی اندک از استخوان انسانی به صورتی بهم ریخته و خارج از محل اصلی خود برخورد شد. از گورهای شماره ۵، ۶، ۱۱، ۱۳ و ۳ هیچ گونه بقایای استخوان انسانی شناسایی نشد. وضعیت هدایای تدفینی نیز در این گورستان کم‌شمار و اندک بود. هدایای تدفینی دربر دارنده ظروف سفالی، سنگی و فلزی، ابزار سنگی، زیورآلات مفرغی و سنگی و جنگ‌افزارهای سنگی و مفرغی می‌شد که به شکلی شکسته، رسوب‌زده و زنگار گرفته بودند (طرح‌های ۴ و ۵). همچنین در بین هدایای تدفینی به دست آمده، بقایای استخوان حیوانی، هم درون چاله تدفین و هم در جلوی ورودی گور و خارج از چاله تدفین یافت شد که این نکته از ویژگی‌های مشترک گورستان تاج‌امیر با گورستان لُما شمرده می‌شود. گورستان محمودآباد یاسوج در ۱/۵ کیلومتری شمال، گورستان‌های لُما و گورستان دِه دومین به ترتیب، در فاصله ۵۰ و ۷۰ کیلومتری شمال غرب گورستان تاج‌امیر قرار دارند و گمان می‌رود از حیث ساختار گورها و اختصاص آنها به اقوام کوچ‌رو بین آنها نزدیکی زیادی وجود داشته باشد (نقشه ۲).

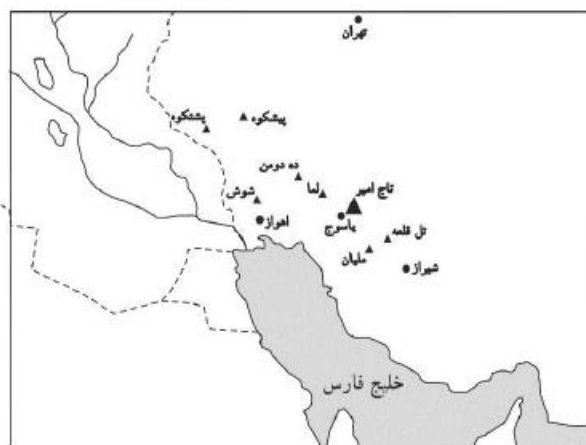
باین‌همه، باید توجه کرد که براساس مواد و اشیای به دست آمده، تفاوت‌های گاهنگاری بین آنها دیده می‌شود. داده‌های باستان‌شناختی، تاریخ‌گذاری گورستان تاج‌امیر را به آغاز هزاره دوم تا میانه آن نشان می‌دهد (طرح‌های ۴-۶). به دیگر سخن، گمان می‌رود این گورستان به اقوام کوچ‌روی عیلامی تعلق داشته است؛ زیرا تا کنون هیچ گونه استقرار از این بازه زمانی نه تنها در نزدیکی آن، بلکه در دره پُشار به کلی شناسایی نشده است. باید تأکید کرد نتایج به دست آمده از دیگر مطالعات باستان‌شناسی گورستان‌های خرپشته‌ای منطقه، همچون گورستان لُما (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۶، جعفری، ۱۳۹۳) و گورستان ده دومین (ناصری و دیگران، ۱۳۹۳) و سردسیر بودن منطقه که نیمی از سال در آن استقرار ناممکن بوده، این گمان و برداشت را پشتیبانی می‌کند. تنها محوطه استقرار که در فاصله ۱۰ کیلومتری گورستان تاج‌امیر قرار دارد، «تل خسرو» یاسوج (رجبی، ۱۳۸۷) است که با در نظر گرفتن فاصله‌ای که با گورستان تاج‌امیر دارد به نظر نمی‌رسد که این محوطه نیز استقرارگاه گورخفتگان گورستان تاج‌امیر باشد.

می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پژوهشی باستان‌شناسان در ایران چندی و چونی برهم‌کنش جوامع یکجانشین و کوچ‌رو از هزاره پنجم پ.م تا به امروز بوده است، به ویژه این معادله در نیمه جنوبی و غربی فلات ایران و شکل‌گیری و ساختار حکومت عیلام در هزاره سوم تا اول پ.م نمود بیشتری دارد (علیزاده، ۱۳۸۷: ۷۳). داده‌های باستان‌شناسی و متون تاریخی بیانگر آن است که کوه‌نشینان در ساخت و پایداری حکومت عیلام نقش مهمی داشتند (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۴۵، علیزاده، ۱۳۸۷). آنها با چیرگی بر مناطق هموار و نیمه‌هموار جلگه خوزستان و بلندی‌های فارس از یک سو و تکیه بر مناطق دشوار کوهستانی زاگرس از سوی دیگر، گونه‌ای از نظام سیاسی و اجتماعی یکپارچه پدید آوردند که توانستند بیش از دو هزار سال دوام آورند، حال آنکه با مهاجمان قدرتمندی از میان‌رودان در ستیز و جنگ بودند. اندک و پراکنده بودن مطالعات و مواد باستان‌شناسی تا به امروز نتوانسته است این مهم را به خوبی بیان و بررسی کند. باین‌همه، دشواری‌های شناخت و به دست آوردن مواد فرهنگی از استقرارگاه‌های فصلی گروه‌های کوچ‌رو سبب شده است تا

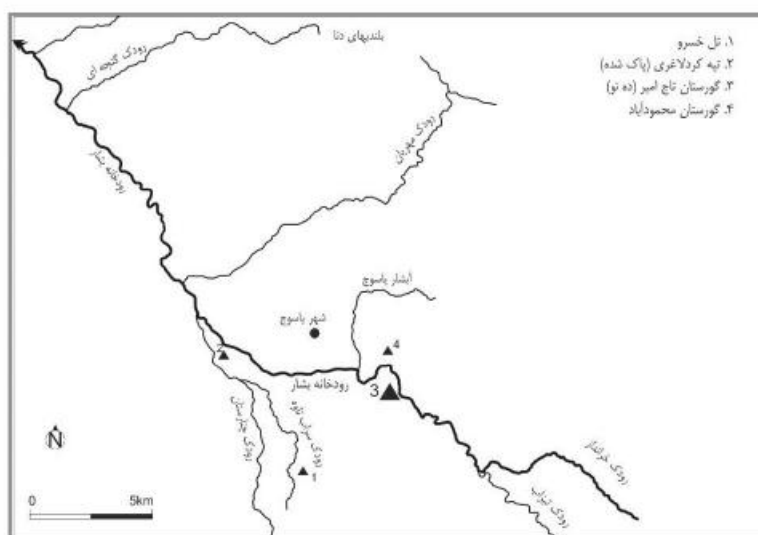


گورستان‌های آنها که بیشتر در بلندی‌ها و دره‌های دشوار کوهستانی جای دارند و معمولاً عوامل طبیعی سبب پنهان شدن آنها در زیر حجم زیادی از نهشته‌های طبیعی شده است از اهمیت زیادی برخوردار باشند. از این روی، مطالعه گورستان‌های مهمی چون گورستان تاج‌امیر می‌تواند به درک بهتر ما از ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گروه‌های کوهنشین عیلامی در بلندی‌های زاگرس و نسبت آنها با عیلامی‌های دشت و جلگه‌نشین کمک شایان کند. مطالعات انسان‌شناسی نشان داده است تا پنج دهه پیش حوزه آبریز دو رودخانه فهلیان و زهره و دره‌ها و دشت‌های پیرامونی چون دشت‌های رستم یک، دو، باشت و... که در عرض‌های پایین‌تر جغرافیایی (به خط مستقیم ۵۰ تا ۶۰ ک.م به سوی جنوب) جای دارند، پهنه برهمکنش همین جوامع کوچروی بوده که در دره‌های کوهستانی چون پشار پراکنده بوده‌اند (دومورینی، ۱۳۷۵: ۵۰-۵۶).

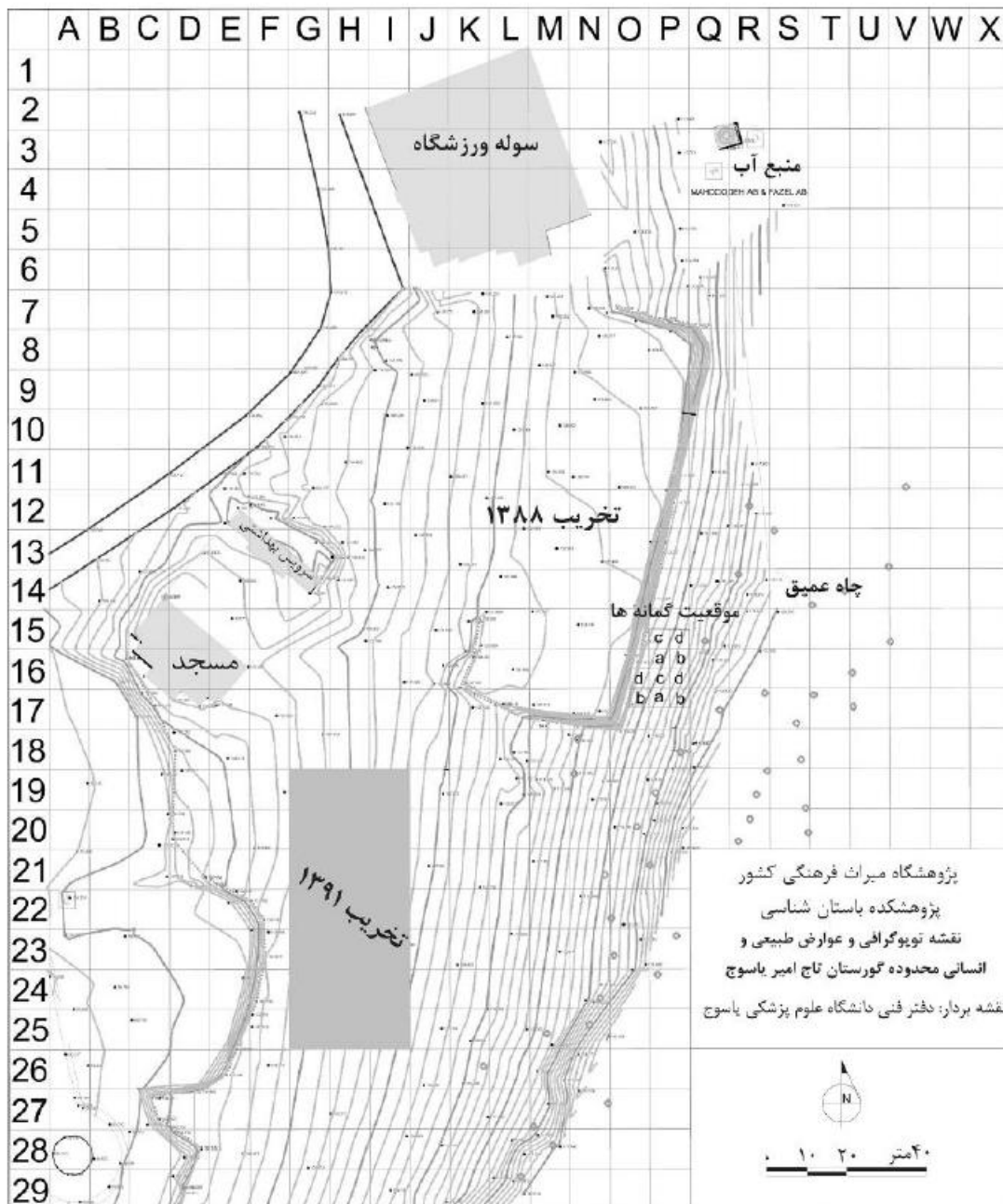
## تصاویر



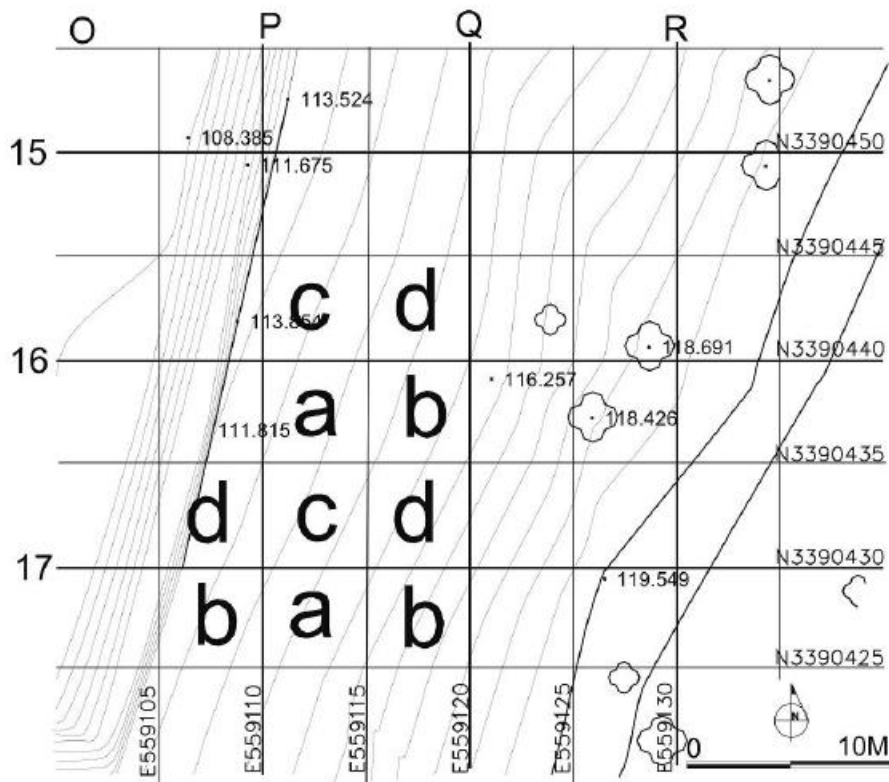
نقشه ۱. جایگاه گورستان تاج‌امیر در جنوب غرب ایران



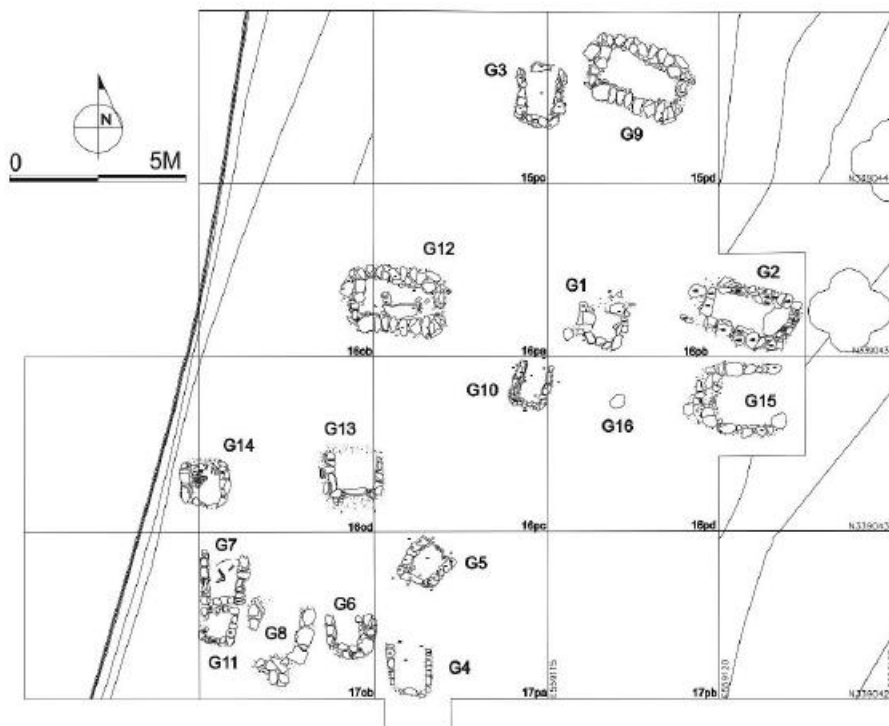
نقشه ۲. جایگاه گورستان تاج‌امیر در دره پشار و در کنار دیگر آثار تاریخی شناسایی شده در این حوزه آبریز



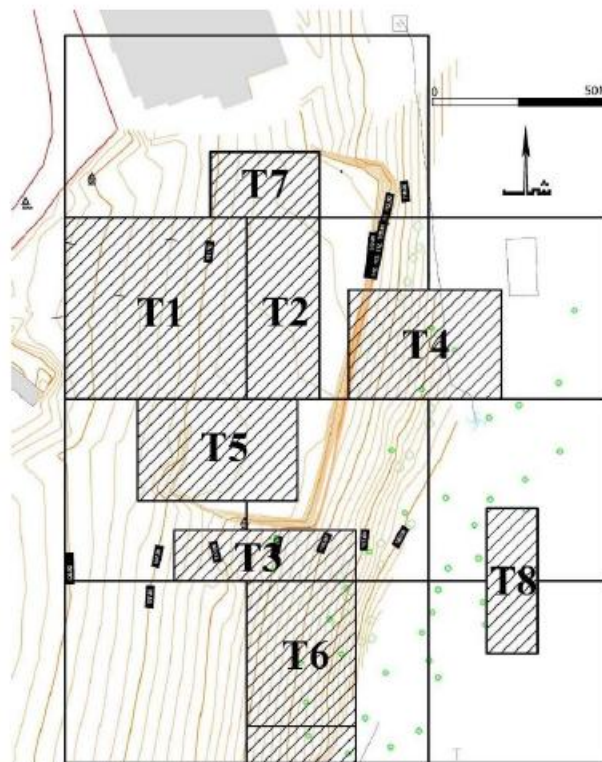
نقشه ۳. نقشه توپوگرافی و شبکه‌بندی فرضی گورستان تاج‌امیر و وضعیت تخریب‌های آن



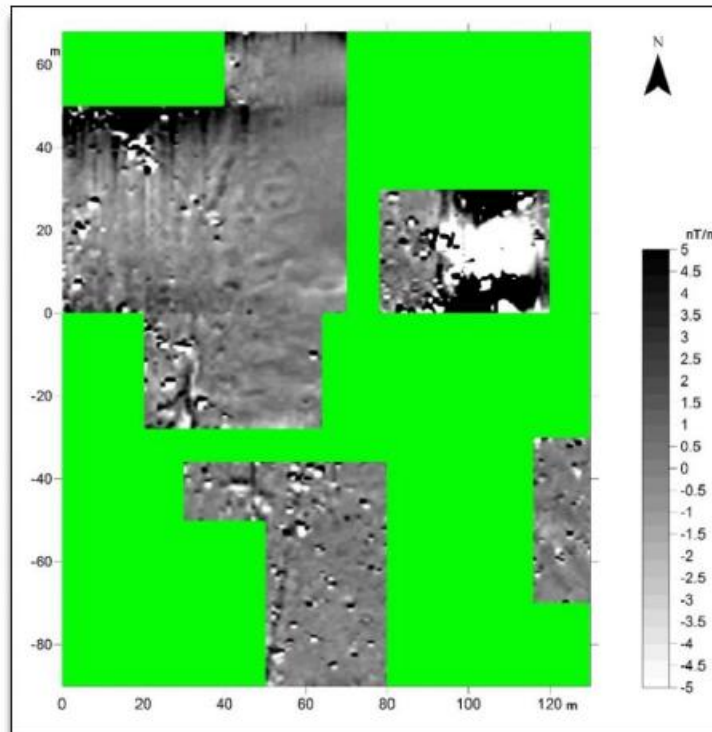
نقشه ۴. شبکه‌بندی و کارگاه کاوش بر روی نقشه منحنی میزان پیش از کاوش



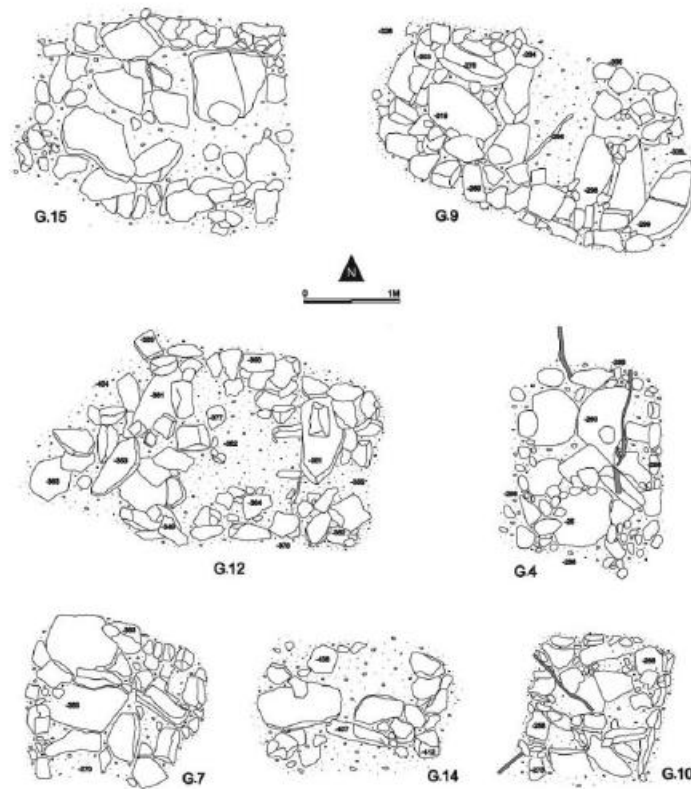
نقشه ۵. کارگاه کاوش و براکنش گورها پس از کاوش



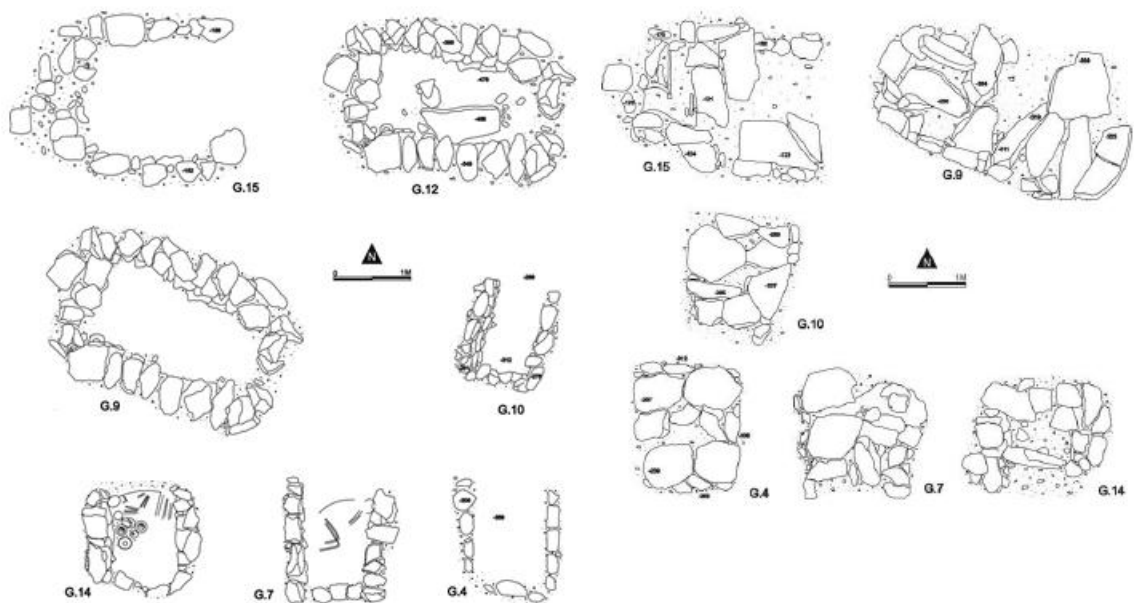
نقشه ۶ گستره بررسی ژئومغناطیس در بخش‌های شمالی و مرکزی گورستان



نقشه ۷. نقشه مغناطیسی پد دست‌آمده از گورستان (در این نقشه براکنش گورها به خوبی دیده می‌شود).

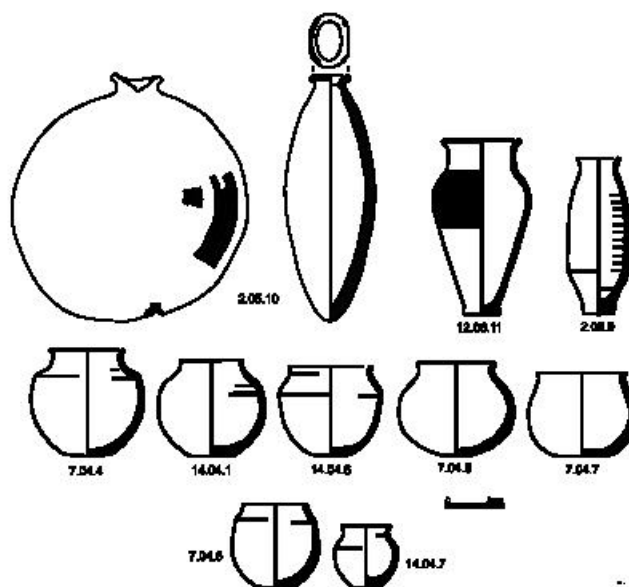


طرح ۱. وضعیت سطحی ترین ساختار (انباشت قلوه‌سنگ‌ها) در تعدادی از گورها



طرح ۳. وضعیت جالۀ تدفین و چگونگی قرارگیری جسد در تعدادی از گورها

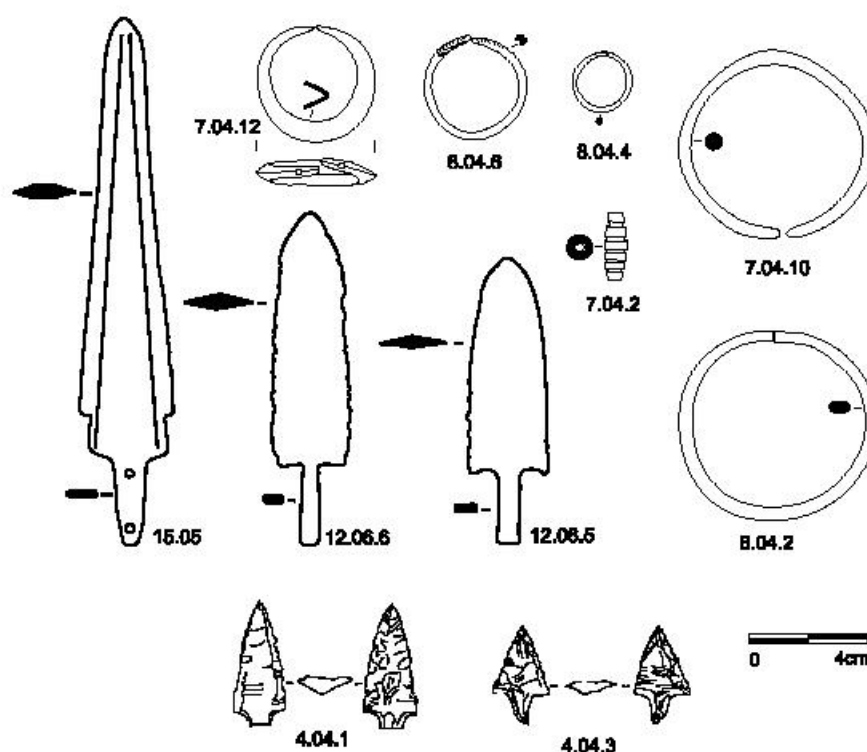
طرح ۲. وضعیت پوشش خرسنگی و هشتی شکل در تعدادی از گورها.



طرح ۴. طرح و کاتالوگ تعدادی از ظروف سفالی به‌دست آمده از گورها

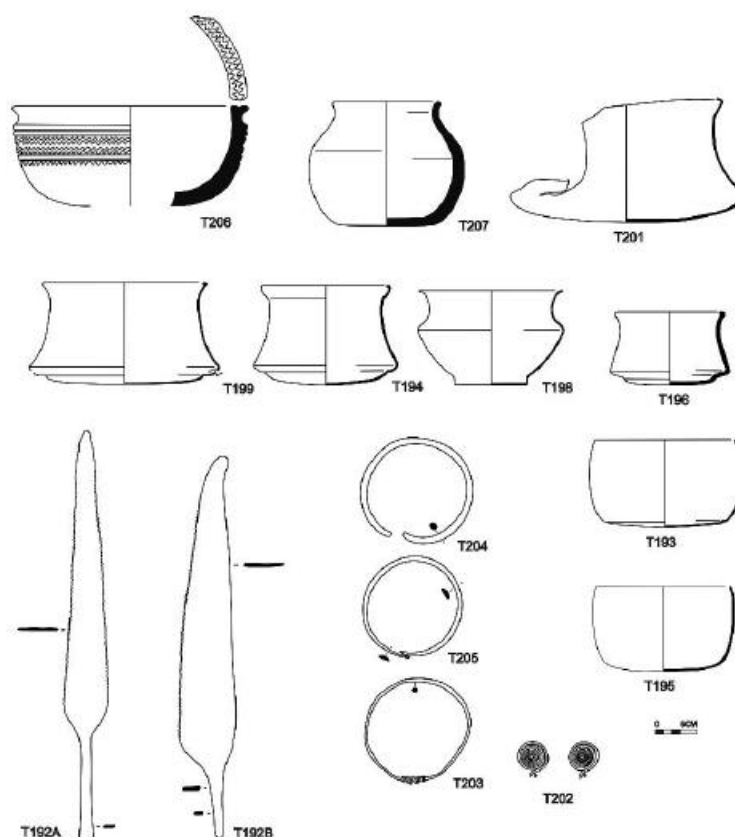
ش. ثبت	توصیف ظروف سفالی	واحد	گور	مقایسه
۲۰۵۱۰	قمقه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز مناسب، آمیزه ترکیبی، پخت ناکافی، دست‌ساز، منقوش بر جداره بیرونی	۰۵	۲	گیرشمن، ۲۷۱: ۱۳۷۲ لوحه ۶۸ نگهبان، ۱۲۷۲: ۱۵۹ گروه ۴ ش. ۱
۱۲۰۶۱۱	گلدان: سالم، خمیره نخودی روشن، ورز نامناسب، آمیزه کانی، پخت کافی، دست‌ساز، منقوش، وزن ۵۱۷/۸۷ گرم	۰۶	۱۲	گیرشمن، ۲۹۹: ۱۳۷۲ لوحه ۸۲ Sumner, 165: 1974 n. a
۲۰۵۹	کوزه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز مناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، چرخ‌ساز، وزن ۳۹۷/۷۷ گ.	۰۵	۲	گیرشمن، ۲۹۹: ۱۳۷۲ لوحه ۸۲ Khosrowzadeh and zeidi, 363: 2006
۷۰۴۴	دیگچه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، چرخ‌ساز، وزن ۵۲۰/۲۴ گ.	۰۴	۷	Khosrowzadeh and zeidi, 369: 2006 نگهبان، ۱۶۲: ۱۳۷۲ گروه ۱۵ ش. ۱
۱۴۰۴۱	دیگچه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، چرخ‌ساز، وزن ۵۴۲/۷۹ گ.	۰۴	۱۴	
۱۴۰۴۶	دیگچه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، دست‌ساز، وزن ۴۹۲ گ.	۰۴	۱۴	
۷۰۴۶	دیگچه: شکسته، خمیره قهوه‌ای، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، دست‌ساز، وزن ۶۹۰ گ.	۰۴	۷	نگهبان، ۱۶۵: ۱۳۷۲ گروه ۱۶ ش. ۵ Sumner, 169: 1974 n. m
۷۰۴۷	دیگچه: شکسته، خمیره قهوه‌ای، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت ناکافی، دست‌ساز، وزن ۳۸۴/۶۷ گ.	۰۴	۷	Sumner, 129: 1972 n. c and d کارتر، ۵۴: ۱۳۷۲
۷۰۴۵	دیگچه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز مناسب، آمیزه ترکیبی، پخت کافی، دست‌ساز، وزن ۵۳۰/۱۴ گ.	۰۴	۷	
۱۴۰۴۷	دیگچه: شکسته، خمیره نارنجی، ورز نامناسب، آمیزه ترکیبی، پخت ناکافی، چرخ‌ساز، وزن ۲۰۱/۱۳ گ.	۰۴	۱۴	Sumner, 168: 1974 n. e and f





طرح ۵. طرح و کاتالوگ تعدادی از اشیاء فلزی و سنگی یافت شده از گورها

ش. ثبت	توصیف اشیاء فلزی و سنگی	واحد	گور	گمانه	مقایسه
۷۰۴۱۲	حلقه نقره: دارای زنگار، سالم، ترک‌دار، دو سوراخ ریز در دو سر، وزن ۲۷/۵۲ گرم	۰۴	۷	170B	
۸۰۴۶	حلقه نقره: دارای زنگار، سالم، نقش‌کننده خوشه گندم در دو سر، وزن ۴۸/۵۹ گ.	۰۴	۸	170B	
۷۰۴۱۰	دست‌بند مفرغی: دارای زنگار، سالم، ساده، وزن ۲۸ گ.	۰۴	۷	170B	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۴۹
۱۵۰۵	خنجر مفرغی: دارای زنگار، سالم، دو بر لبه تیز، دارای دو سوراخ در دسته، وزن ۷۵/۵۷ گ.	۰۵	۱۵	16PB	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۵۲
۱۲۰۶۶	سرتیزه مفرغی: دارای زنگار، سالم، دو بر لبه باریک و تیز، وزن ۳۲/۷۰ گ.	۰۶	۱۲	160B	نگهبان، ۱۳۷۲:۲۵۳ ع. ش. ۱۵۵
۱۲۰۶۵	سرتیزه مفرغی: دارای زنگار، سالم، دو بر لبه باریک و تیز، وزن ۲۵/۱۰ گ.	۰۶	۱۲	160B	نگهبان، ۱۳۷۲:۲۵۳ ع. ش. ۱۵۵
۷۰۴۲	مهرة سنگی: سنگ صابون، سالم، دارای پنج توار کننده بر بدنه، وزن ۱/۸۶ گ.	۰۴	۷	170B	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۴۵ لوحه ۸۰ شماره ۵۵۵
۸۰۴۲	دست‌بند مفرغی: دارای زنگار، سالم، ساده، وزن ۴۰/۲۰ گ.	۰۴	۸	170B	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۰۵ لوحه ۸۵
۴۰۴۱	سربیکان سنگ: سنگ چرت، سالم، خاکستری رنگ، وزن ۵/۵۴ گ.	۰۴	۴	15PD	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۴۵
۴۰۴۲	سنگ چرت: سالم، خاکستری رنگ، وزن ۲/۵۵ گ.	۰۴	۴	15PD	گیرشمن، ۱۳۷۲:۲۴۵



طرح ۶. طرح و کانالوگ تعدادی از ظروف مفرغی و اشیای پهن‌دست‌آمده از تخریب ۱۳۸۸ گورستان

ش. ثبت	توصیف ظروف مفرغی	مقایسه
T206	کاسه سنگ صابون: شکسته، نقش زیگزاگ کنده بر لبه و بدنه	
T207	دیگچه سفالی: شکسته، خمیره قهوه‌ای‌رنگ، ورز مناسب، آمیزه کانی، پخت کافی، دست‌ساز، دارای رسوب آهنی بر برون	Sumner, 129: 1972 n. d and f
T201	پیه‌سوز مفرغی: شکسته، دارای زنگار، شکسته (مچاله‌شده)	
T198	کاسه مفرغی: سالم، دارای زنگار، پدیدگی و شکستگی	Sumner, 142: 1972 n. k
T194	کاسه مفرغی: سالم، دارای زنگار، ساده و بدون تزئین	
T199	کاسه مفرغی: شکسته، دارای زنگار، پدیدگی و شکستگی	
T196	کاسه مفرغی: سالم، دارای زنگار، بدون تزئین	
T193	کاسه مفرغی: سالم، دارای زنگار، بدون تزئین	
T204	النگوی مفرغی: سالم، دارای زنگار، بدون تزئین، دو سر باز	
T205	النگوی مفرغی: سالم، دارای زنگار، بدون تزئین، دوسر باز	
T195	کاسه مفرغی: سالم، دارای زنگار، بدون تزئین، شکسته و ترک‌دار	
T202	گوشواره مفرغی: سالم، دارای زنگار، ردیف نوارهای پیچیده دور هم	
T203	النگوی مفرغی: سالم، دارای زنگار، تزئین با مغتول پیچیده	
T192B	خنجر مفرغی: سالم، دارای زنگار، یک لب تیز و دندانه‌دار، دارای دسته کوتاه	گورشمن، ۱۲۷۳: ۲۴۵ لوحه ۷۰ شماره ۶۶۳
T192A	خنجر مفرغی: سالم، دارای اکسید، دو لبه تیز	



شکل ۱. تصویر ماهواره‌ای از محدوده گورستان تاج‌امیر



شکل ۲. تصویری از وضعیت گورهای تخریب شده در ۱۳۸۸





شکل ۳. گمانه کاوش و موقعیت شهر یاسوج در شمال غرب گورستان تاج‌امیر



شکل ۴. تصویر وضعیت گمانه‌ها پس از کاوش





شکل ۵. تصویر وضعیت دو نمونه از گورها (G.7 و G.14)



شکل ۶. استفاده از دستگاه گرادیمتر یخار سزیم رییدوم در بررسی ژئوفیزیک گورستان تاج‌امیر

## منابع

- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵)، *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا یاستی، تهران، سمت.
- جعفری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «گزارش فصل سوم کاوش گورستان لاما»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان، تهران، دانشگاه تهران*.
- رجیبی، نوروز (۱۳۸۷)، «گزارش پایانی دو فصل کاوش لایه‌نگاری تل خسرو یاسوج»، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- رضوانی، حسن و دیگران (۱۳۸۶)، «گزارش نهایی کاوش‌های باستان‌شناختی گورستان لاما، سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی (۱۲)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- دارک، کن‌آر (۱۳۷۹)، *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه ک. عیدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- دومورینی، ژ (۱۳۷۵)، *عشایر فارس*، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران، دانشگاه تهران.
- علیزاده، عباس (۱۳۸۷)، *شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان*، شهرکرد، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
- کارتز، الیزابت (۱۳۷۲)، «بنای ایلام میانی در انشان (تل ملیان)»، ترجمه ک. عیدی، *باستان‌شناسی و تاریخ (یادبود شادروان هلن جی کنتور)*، شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۴۹-۵۵.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۳)، *چغازنبیل*، ترجمه اصغر کریمی، ج اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- ناصری، رضا و دیگران (۱۳۹۳)، «کاوش نجات‌بخشی محوطه و گورستان باستانی ده دومن (ده پایین) سد خرسان ۳»، *مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران*، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور، ۴۲۳-۴۲۶.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، *حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان*، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- Khosrowzadeh, A., and Zeidi, M. 2006. Excavation at Tol-e Nurabad (trench B), in: D. Potts and K. Roustaei (ed.), *the Mamasani archaeological project stage one: a report on the first two seasons of the ICAR-University of Sydney to the Mamasani District, Fars Province, Iran*, Iranian Center for Archaeological Research, 31-88.
- Sumner, W., 1972. *Cultural development in the Kur River Basin, Iran: an Archaeological analysis of settlement patterns*, Ph.D Thesis, University of Pennsylvania.
- Sumner, W., 1974. *Excavation at Tall-i Malyan, Iran 12*, 155-180.